



۱۳ آذرماه مصادف با اولین سالگرد درگذشت مرحوم دکتر مهین دخت صدیقیان است. دکتر صدیقیان عضو هیئت علمی و رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی بود.

از وی کتاب‌هایی چون فرهنگ واژه‌نمای حافظ، فرهنگ اساطیری - حماسی ایرانی بر اساس منابع اسلامی، فرهنگ چینی به فارسی و فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی به چاپ رسیده است. همچنین چهل مقاله دستوری و ده مقاله راجع به نقد از او به جامانده است.

به مناسبت انتشار جلد سوم فرهنگ واژه‌نمای غزلیات سعدی با دکتر ابوطالب میرعابدینی، همسر ایشان که همکار وی نیز بوده است گفتگویی انجام داده‌ایم که در پی می‌آید:

□ آقای دکتر میرعابدینی در ابتدا مختصری از تاریخچه فرهنگ بسامدی و واژه‌نامه‌نگاری و آغاز کار آن در ایران بفرمائید؟

■ واژه‌نامه‌نگاری نخست در انگلستان پا گرفت و

سپس در امریکا به شکوفایی رسید. واژه‌نمای شکسپیر در سال ۱۸۹۴ به کوشش جان بارتت چاپ شد. اما کار بر روی واژگان ادب کهن ایران را، ایران‌شناسان آلمانی آغاز کردند، کریستیان بارتولومه با فرهنگ ایرانی باستان که حاوی واژه‌نمای تمامی واژگان متون اوستایی و پارسی باستان است از آغازگران این کار در ایران بود. اما نخستین ایران‌شناسی که به بسامدنویسی آثار کلاسیک فارسی پرداخت فریثس ولف بود که فرهنگ بسامدی شاهنامه فردوسی را در دهه ۱۹۳۰ فراهم آورد. کار برجسته وی، تبیین واژه‌های چندمعنایی برحسب معنی مطروحه در متن شاهنامه است.

به طور کلی باید بگوییم بسامدنویسی در ایران از دو دهه پیش آغاز شده است. و نخستین دستاوردهای آن به صورت بسامدهای سروده‌های شهید بلخی و مقدمه شاهنامه ابومنصوری انتشار یافت و تحول بعدی آن با واژه‌نمای مثنوی معنوی ادامه یافت.

واژه‌نمای دیوان حافظ نیز گامی دیگر در این جهت بود و جدا از قالب عروضی، وزن، قافیه و ساخت به پژوهشگر امکان می‌دهد که به مطالعه بر جنبه‌های سبکی، بینشی، نگارشی و زبانشناختی دیوان بپردازد.

□ روش کار مرحوم دکتر صدیقیان و شما که همکار ایشان بوده‌اید در تهیه فرهنگ واژه‌نمای سعدی به چه صورت بود؟

■ در این فرهنگ همه کلمات موجود در غزلیات

سعدی برحسب حروف الفبا فهرست شده است و کلمات اصلی عنوان قرار گرفته‌اند. در اسم و صفت، صورت مفرد کلمه عنوان قرار گرفته و صورت‌های دیگر مثل جمع و معنادار صفت تفضیلی و یا یکی از انواع (ی) بعد از صورت ساده کلمه آورده شده است. در برابر هر مدخل، مصراع‌هایی که کلمه موردنظر در آن به کار رفته به ترتیب شماره صفحه و غزل و بیت آمده است.

البته در کلمات پربسامد مثل حروف اضافه و ضمائر شاهد شعری آورده نشده و تنها به ذکر بسامد آن اکتفا شده است.

صیغه‌های هر فعل زیر عنوان مصدر آمده، ابتدا صیغه‌هایی که با ریشه ماضی بوده و سپس صیغه‌هایی با ریشه مضارع. صفت مفعولی هم اگر در معنی وصفی در شعر به کار رفته باشد زیر مصدر با عنوان فرعی آمده است.

قاعده بر این گذاشته شده است که شاهد مثال یک مصراع از یک بیت باشد. اگر گاه به جای یک مصراع یک بیت آمده مقصود آن بوده تا معنی کلمه موردنظر که در یک مصراع روشن نیست، روشن شود. مثلاً اگر جزئی از فعل مرکب در مصراع اول و جزء دیگر در مصراع دوم آمده باشد برای پابندی به قوانین، همه کلماتی که میانشان کسره اضافه بوده است، هرچند مفهومی ترکیبی داشته‌اند جدا ضبط شده است. مثل ید بیضا.

کلمات عربی بجز حرف‌ها و ضمیرها از هم جدا شده و هر یک دارای مدخلی شده‌اند. مسئله دیگر که در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فاطمه وکیلی

گفت و گو با ابوطالب میرعابدینی

اهمیت فرهنگ‌های بسامدی

این واژه‌ها و هم در چاپ دوم واژه‌های حافظ، انجام شده، جدا کردن معنی کلمات یک شکل است. کاری بی‌نهایت دشوار و خواهان دقتی زیاد. برای یافتن تفاوت‌های معنایی به تمام فرهنگ‌های موجود در زبان فارسی مراجعه شده و اگر در آن فرهنگها مفهوم آن کلمه مخصوص یافت نشده با توجه به قراین موجود در شعرهای مختلف، معنی شده است.

از نتایج بسیار عمده که در تفکیک معانی یک کلمه مثلاً «آوردن» به دست آمده، یکی محدود شدن فعلهای مرکب است.

□ آقای دکتر فرهنگ‌های بسامدی و واژه‌ها چه کاربردی دارند؟

■ بدون اطلاعات داده شده در فرهنگ‌های بسامدی، هرگونه تحقیق، حتی در جزئیات کاستی خواهد داشت و قابل اطمینان نیست، چه رسد به تحقیقاتی نظیر سبک‌شناسی یک دوره یا بررسی تاریخ زبان و یا نوشتن تاریخ ادبیاتی مستند و درست. اگر بخواهیم ادبیات درخشان گذشته ما به صورت درسی علمی درآید و شعبات آن را علوم ادبی بنامیم و نه مباحثی برخاسته از روی سلیقه‌های شخصی و ذوقی، باید به درستی بدانیم هر واژه‌ای کی به وجود آمده و در هر دوره چه معنایی داشته و بسامد آن در هر اثری چه اندازه بوده است و در چه مقطع زمانی دچار تغییرات شده و معنای دگرگونه‌ای یافته، معنی اولی آن از میان رفته و واژه دیگری حامل آن معنی شده است.

اگر بر متن‌های معتبر هر دوره، فرهنگ‌های بسامدی فراهم آید، امکان تألیف فرهنگ‌هایی برای هر دوره فراهم می‌شود. و تأثیرپذیری هر شاعر و نویسنده را از شاعران و نویسندگان پیشین با استناد به جزئیات معین می‌کند و امکان گشودن پرونده ادبیات تطبیقی فراهم می‌شود و در آن صورت رسم منحنی‌های علمی در حوزه زبان و ادبیات امکان می‌یابد.

از طرفی ما فرصت پیدا نکرده‌ایم که یک نقد ادبی علمی داشته باشیم و کار ما مستند نیست و خیلی از کتابهایمان را نمی‌شناسیم. با این فرهنگ می‌توان مستقیماً به هویت فرهنگی کمک کرد. اما بیش از همه، کار فرهنگی واژه‌ها این است که به محقق کمک می‌کند تا بتواند دیدگاه‌های تازه به دست آورد.

□ برای این کار تحقیقی از چه منابع و نسخه‌هایی استفاده شده است؟

■ نسخه اصلی، نسخه یقمایی است و اشکالات نسخه در مقدمه کتاب توضیح داده شده است و برای اینکه خواننده دچار مشکل نشود به نمونه دیوان‌های غزلیات سعدی به سه نمونه تصحیح یقمایی، فروغی و صارمی اشاره کرده‌ایم.

□ از دیگر کارهایی که ایشان انجام داده‌اند و ناتمام مانده، بفرمایید و اینکه در حال حاضر این کارها در حال تکمیل شدن است یا نه و چه کسی یا گروهی این کار را برعهده گرفته است؟

■ در پژوهشگاه علوم انسانی، اسرار التوحید در حال تکمیل شدن است. مدخل‌یابی کامپیوتری آن انجام شده و همه واژه‌ها بر اساس تکرارشان در متن و شواهد مثالشان داده شده و بعد باید توسط پژوهشگر بر اساس معنا تفکیک شود.

کار دیگری که ایشان طرحش را دادند، بسامد غزلیات شمس است و از شاهکارهای کار ایشان می‌تواند باشد که در حال حاضر خانم مینو فطوره‌چی بر روی آن کار می‌کنند. و البته کارها کامپیوتری شده و به نسبت واژه‌های حافظ که تمام کارها با فیش‌نویسی دستی انجام می‌شد، سرعت بیشتری پیدا کرده است.

حدود هشت مقاله تحقیقی از فیش‌هایی که ایشان از کار سعدی تهیه کرده‌اند، نوشته‌ام مثلاً راجع به سرو، حروف اضافه در اشعار سعدی و ترکیبات در شعر سعدی و... که آماده چاپ است. جلد دوم فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام (جلد دوم: کیانیان) که جلد اول آن در پاییز ۷۵ منتشر شده بود اکنون آخرین مراحل خود را می‌گذراند.

کتاب تصحیح دیوان زیب النساء (مخفی)، شاعر پارسی‌گوی هندی در انتشارات امیرکبیر زیر چاپ است. فرهنگ واژه‌های حافظ هم در حال حاضر با تجدیدنظر و افزودن مترادفات هر کلمه به چاپ دوم سپرده شده است. همچنین در نظر دارم برخی از نوشته‌ها و یادداشت‌های نثر ایشان را با نام دلانه آماده چاپ کنم.

گردادن □ ۹۱۳

گناه تو است که رخسار دلستان داری (۲)	۵ / ۷۸.۷۳	درخت سزای غم تاراج عشق کردی (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
گر به رخسار چو مامت صنایع می‌نگرم (۱)	۷ / ۱۲۱.۱۰۶	دردت به دوزخ برم از کوی خرابات (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
من بر گل شقایق رخسار می‌کم (۲)	۳ / ۱۶۵.۳۲۰	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
جشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست (۱)	۵ / ۲۰۲.۳۳۳	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
رخسار (ت تصحیح اضافه)	۸ / ۲۵۲.۳۳۳	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
اگر مانند رخسار گلی در بوستانی (۱)	۸ / ۳.۹۰۷	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
که دید برگ بهاری به رنگ رخسار (۱)	۸ / ۲۲.۲۲۱	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
رخسار (ش تصحیح اضافه)	۸ / ۳۶.۶۳۱	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
ز شرم رنگ رخسار چو نیلوفر در آبی (۲)	۱ / ۲۲۰.۳۵۳	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
نیز نک. رخساره، ماهرخسار	۶ / ۲۲۰.۳۵۳	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
رخساره (۶ بار)	۶ / ۲۲۰.۳۵۳	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
ماه رخساره نیوشی تو بت یمنایی (۱)	۴ / ۱۳۰.۳۹۸	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
رنگ رخساره شیر می‌دهد از سر نهانم (۲)	۴ / ۱۳۰.۳۹۸	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
آب از گل رخساره او عکس پذیرفت (۱)	۳ / ۱۹۱.۳۲۷	چو به تاراج داد رخت صبوری دل (۱)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸
رخساره زمین چو تو خالی نیات (۲)	۷ / ۳۰۴.۵۰۸	دل به جای رخت بود یا مجال دوست (۲)	۲ / ۲۲۳.۵۱۸

